

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۰ دسمبر ۲۰۱۵

## سنگسار زن در اسلام از روی ترحم است!!!؟؟

این عنوانی که من نوشته ام گفته من نیست، این گفتار راویان شیخ های عرب و عجمی هانی است که در منزلت عربها خود را قرار داده و مجری احکام بربریت و وحشت آنها در کشور ما می باشند.

در ادیان ابراهیمی زن مثل یک جنس وابسته به مرد بوده و از خود حقوقی نداشته و مطلقاً در تصرف مرد می باشد و از آنرو مرد تعیین کننده حق او بوده و مرد برایش حد و مرز مشخص می سازد به او نان داده و سر نوشتش را تعیین می کند و در مقابل زن باید تمام خواهشات و توقعات مرد را مطابق دلخواه او بر آورده سازد.

با سیر مختصری در از انای تاریخ بر پیدایش ، رشد و توسعه ادیان می بینیم که هر زمانی که دین در قدرت بوده زنان بیشترین سر کوب ها را متحمل و قربانی مرد ها و جامعه مرد سالار می باشند.

سلب تحصیل از زنان، به حاشیه انداختن آنها از کار و فعالیت های اجتماعی ، سلب آزادی انتخاب ، گوشه نشین شدن در کنج خانه ، سبب استحکام پایه های دین و مذهب گردیده است که مسلماً با روشن شدن اذهان عمومی جوامع بشری مخصوصاً زنها و طبقه محروم جامعه رونیای فرهنگی دینی و مذهبی در مو قعیت های گوناگون به سوی نابودی و فنا شدن سوق یافته است .

دیدگاه مردان مخصوصاً پیروان دین ( اسلام ) در مورد این که جنس مؤنث حافظ شرف مردان هستند غیر از مهر تأیید بر پیشانی خرافات دینی اهانتی بزرک به خود مردان نیز محسوب می شود.

تنبیه زنان با هر روش در هر زمان و در هر مکان و با هر وسیله ای که باشد اهانت به ساخت انسانیت است و وجود و یا هم تأیید چنین عملی، مشروعیت بخشیدن های تنبیه زنان را که در قرآن آمده تحقیر انسانیت را می رساند و منتقدین را به این نتیجه می رساند که قرآن پدیده ای مختص به زمان و مکان خود غرض توسعه طلبی یک مشت عرب بادیه نشین وحشی و چپاولگر دارائی و هستی دیگران و تاراج زندگی شان می باشد.

با ظهور اسلام و ترویج اندیشه های دگم و واپسگرایانه و تبدیل آن به دین سرشار از سکس و تجاوز جنسی و شهوت و هوسرانی برای طیف مردان مسلمان، سیستم توتالیتیر بر جامعه عرب حاکم شد که نه تنها رفتار بلکه اندیشه های انسان های آن دوره را تحت نفوذ و زیر سیطره خود قرار داد، وجود ده ها آیت زن ستیزانه و صد ها حدیث از پیامبر و خلفاء گویای دیگری است که زمینه انحطاط جامعه انسانی را در پی دارد.

اسلام از همان ابتدای ظهورش انسانها را در همان دو گروه دسته بندی شده اجتماع یعنی گروه حاکم و گروه محکوم باقی گذاشت و قانون لایزال مردان حاکم و زنان محکوم، مردان بهتر و زنان کهنتر را به نظر خود شان برای همیشه ماندگار ساخت.

محمد به عنوان (مظهر اخلاق) برای بشریت (به تعبیر قرآن) خود مظهري کامل از شهوترانی و بی ارزش دانستن زنان است، او خود تا زمانی که در مکه به صورت پیامبری رؤوف و مهربان و اندرز گو و فاقد بنیه مالی صرفاً در حکم برده ای بوده که خدیجه او را با ثروت هنگفتش خریداری کرده بود ظهور می کند در مرحله مدینه با مرک خدیجه و تکیه بر ثروت باد آورده وی مهربانی او به کام گیری و شهوترانی و استبداد و زور گوئی تبدیل می شود و عملاً شروع به فرمانروائی و فعالیت جنسی نمود و چنان اهمیتی به نیاز جنسی داد که در طول نه سال به بستر هجده زن عقد شده رسمی رفت.

محمد با توجه به شرایط اقلیمی و اجتماعی شبه جزیره عربستان و با تشخیص این که مردم آن منطقه را از راه وعده های بهشتی همچون وجود حوری های بهشتی آماده جماع که هر بار به حالت دختر باکره باز می کردند و دختر های (پستان اناری)، وجود غلمان های نازک پوست و مهیا برای عمل لواط، جنک های سر سبز جویبار های شیر و شراب و عسل قصر های بهشتی ساخته شده از سنگ های مرمر و عاج تشویق به جهاد و کشتار می نمود.

چنین تصاویری برای عرب بادیه نشین که در بیابان خشک و ریگی و زیر آفتاب سوزان که تنها همدمش شتران و گوسفندانش می باشد مناظری خالی از لطف نبوده است.

شرط کامیابی و دستیابی و تصرف چنین مکانی که بهشت نام گذاشته اند تصرف و دستیابی به دیگر مناطق و رضایت خدا و پیامبرش دانسته اند اصحاب و هم مسلکان چنین شخص خود را به آب و آتش می زنند تا بلکه بیشتر و بیشتر به سر زمین های دیگر دست یابند و درین تجاوزات به غنایم و زنان دیگری دسترسی پیدا نمایند همان غنایمی که برای فرد مسلمان حلال شرعی است و خدای قاهر و جبار و همچنان پیامبر سکس مزاجش نیز ازین کار راضی و خوشنود هستند و حتی غیر از اسلام هیچ دینی دیگر را نمی پذیرند (هر که جز اسلام دینی را بجوید هرگز از او پذیرفته نشود)

### سوره آل عمران آیت ۸۵

هنگامی که محمد با توصل به شعبده بازی های کلامی سعی در فریبکاری مردم داشت از همان ابتدای امر مخالفان بسیار زیادی برایش قد علم نمودند و دینی را که به نام یک ایدیولوژی به جامعه عرضه می کرد به باد انتقاد گرفته و بر وی خرده گرفتند امروز پیروان دو آتشه وی با الهام گرفتن از "دوران طلایی" محمد و خلفاء سعی در سرکوب هر چه بیشتر معارضان و دگراندیشان تلاش دارند و همیشه دکتاتورانی در زیر چکمه های این دین مردم را به خاک و خون کشیده اند

ستمی که پیروان دین اسلام به عنوان کاملترین ادیان (به تعبیر مسلمانان) در حق زنان به انجام رسانند گویا نابرابری جنسیتی است و در طی آیات مختلف قرآن به آن اشاره شده است.

در گذشته نچندان دور یعنی از دهه چهل به اینطرف ما در کشور عزیز خود تعداد زیادی از این عجمی های دعا گوی اعراب و کثافت های تاریخی را به ادامه آباء و اجداد شان به نام های پیر، نقیب، حضرت، مولوی، ملا، طالب، چلی و ... داشتیم که گروه اولی آن که مربوط طبقه اشراف و زمیندار بوده و با شعبده بازی های نوع عربی آن، با استفاده از خوشباوری ها و ساده دلی مردمان ما سرمایه های هنگفتی اندوخته اکثراً در ممالک اروپائی گشت و گذار داشته و در داخل کشور هم مشمول بزم های عیاشی خاندان طلایی بودند و گروه دوم که بیسواد تر، فقیر تر اما چاپلوس تر بودند معاش خور دولت ووظیفه شان اکثراً جاسوسی برای طبقه حاکمه بوده تا مبادا کسی و یا کسانی خلاف منافع

دولت و یا بادران شان حرفی زده و یا هم عملی را انجام دهند.

به هر صورت این قشر طفیلی، مفت خورو جاسوس همه در خدمت دولت استبدادی ظاهر شاه و دولت های مستبد و غیر ملی بعدی تا امروز قرار داشته و به هر دولتی خطبه اسلامی خوانده و آن دولت را قانونی، اسلامی، اولی الامر مطابق آیت قرآن دانسته و اطاعت مردم را برای این دولت های فاسد خواستار شدند، حال که کی چی کرد بحثی جداگانه ای را لازم دارد

این ملا ها در مجموع چیزی را که یاد داشتند گفتن چند جمله عربی را (آیات قرآن) که شاید تعدادی از آنها خود شان هم معنی آن را به درستی نمی دانستند در مساجد بوده و بعد هر نماز به مردم می گفتند و همچنان داستانی را به فارسی گفته و بعداً از خود تشریحاتی می دادند تا ثابت کنند که آنها (عالم دین) هستند

این خصلت و عادت ها در بین این قشر مثل یک مرص مزمن سرایت و حتی چلی ها که وظیفه شان تمیز نمودن و آماده ساختن جای استراحت ملا صاحب، رخت شستن، حجره را جاروب نمودن و خلاصه بر طرفی تمام ضرورت های ملا بود و همچنان طالب که شغلش جمع آوری غذا ها از خانه های مردم برای ملا (هر شب در یکی از خانه ها نوبت غذا برای ملا) بود و نسبت به چلی مقام برتری داشت همه به مرور زمان و تجربه هائی که آموخته بودند ادعای (عالم دین) بودن را نمودند و همین ها امروز بعضی ها با نکتائی هم ظاهر می شوند.

خوب این که آنها چه کردند و سرنوشت آن عده به مرور زمان در پاکستان و ایران به کجا ها کشیده باشد برای بعد، اما در بحث فعلی می خواهم روی مفکوره، صحبت ها و طرح هائی که این فضولان و بی مایکان عجمی در چاپلوسی به شیخک های عربی و امپریالیسم جهانی انجام داده اند، مختصراً بپردازم

این مسموم کنندگان دماغ بشریت، این رهنان عقل و هوش انسانیت، این دشمنان آزادی مردم همه در مجموع از سه حالت مفکوره ای خالی نیستند: آنهائی که مستقیماً در خدمت استعمار جهانی و اعراب قرار دارند، گروه دومی عبارت از کسانی می باشند که در حقیقت رابط بین هدایت گیرنده های اولی و صادر کننده احکام و فتوا های شرعی برای قشر از پا مانده یا آخرین صف شرعی اما فعال شبکه جاسوسی اعراب و امپریالیسم جهانی هستند، گروه سومی همین ملا گک ها و چلی های وطنی بیچاره در کشور است که با صد جانفشانی و شرف با ختگی می خواستند در چوکات بندی های مقدس اسلامی خود، عزت، شرف، ناموس، ملت و منافع ملی خود را در بدل چند پولی و یا مقام و منزلتی تحویل داده و از مقام و یا مقامات خاص اسلامی بر خور دار شوند.

خرافات پسندی با برداشت هائی از عادات یهودی و قبایل بدوی عرب به نام اسلام ۱۴۰۰ سال جمع بندی و به نام اسلام پایه گذاری شد، بعد از تجاوزات مکرر در سر زمین های دیگر و فتوحات و چپاولگری های کامل و تسلط کامل بر آن سر زمین ها به همکاری تعداد زیادی از عجمی های وجدان و شرف باخته منحصیث نمایندگان آنها هنوز هم ادامه دارد.

در مجموع تمام اینها تلاش و سعی داشته اند تا از دین مخصوصاً از اسلام یک (علم) بسازند یعنی تمام خرافات و چرندیات دین اسلام را چنان شرح و بسط دهند و چنان مبهم و غامض جلوه دهند که گویا یک علم است و درک و تحلیل آن از سوی همه کسان بالا تر بوده و عالم مخصوص به خود را لازم دارد؟ و ایشان در مجموع همان (عالم دین) هستند!؟

حال خوب دقت شود می بینیم که هیچ کدام اینها به شمول تمام پروفیسوران اسلام، داکتران، آیت الله ها، حجة الاسلام ها، سید ها، پیر ها، مفتی ها، نقیب ها، حضرت ها، مولوی ها، ملا ها، طالب و چلی و... اسلامی هیچ کدام عالم و تحلیلگر اسلامی نیستند همه و همه (راوی) می باشند.

تمام این قشر مفت خور و صدر نشین تنها یک وظیفه تبلیغی را بدرستی بلد می باشند تا به نفع دولت های مستبد تبلیغ و

جنبش های ملی و مترقی را در هر کجای دنیا سرکوب نمایند، برای مردم داستانهای خیالی سروده و از موجودات نامفهوم قصه ها بافته و مردم را به خواب مصنوعی ببرند تا هیچ کسی متوجه کمی و کاستی های جامعه ناشی از نامتوازن بودن سیاست و اقتصاد در آن نشود، و این همه ملا ها سعی دارند تا مردم از علم و دانش بشری دور نگهداشته و به افسانه ها ایمان پیدا نمایند.

اینها همه شان راوی هستند یعنی از همدیگر و پیشینیان شان روایت می کنند که فلان صحابی و یا فلان شیخ چنین گفت و چنان و فلان مفتی چنین فتوا داد و من تا حال چند بار روی همچو فتوا های جاهلانه و غیر انسانی همچو آدم ها انگشت انتقاد هم گذاشته ام.

درین جمله آدم های استند که روی ملحوظات خاصی از برابری حقوق مرد و زن در اسلام گلو پاره نموده و ادعا می دارند که در دین اسلام هیچ تفاوت حقوقی بین زن و مرد نیست؟؟

این راویان با ضد و نقیض گویی های خود چون همه اش روایت و نقل قول دیگران است اقتضاح به بار آورده اند اما چون نقل قول از یک شیخ و یا یک مفتی عربی است (مقدس) است برای آنها مفهوم فرق ندارد آنچه به خورد شان داده شده در قبال آن خود را مسؤول احساس می دارند تا برای فریب مردم آن را تبلیغ بدارند.

این راویان همیشه خواسته اند یعنی مجبوراند از مجازات های وحشیانه اسلامی صحبت بدارند چون این اعمال وحشیانه و جنایت کارانه در اکثر کشور هائی که خود را اسلامی می گویند جریان دارد اما به نسبت وحشی بودن، جنائی بودن و بربری بودن این مجازات ها این راویان تا اندازه توان خود سعی می دارند آن را به اصطلاح عامیانه ما (ماسه مالی) نموده حتی شکل انسانی و عادلانه بدهند، مثلاً موضوع قصاص، دست بریدن دزد، فرار برده و کنیز، سنگسار و غیره !!! این دین وحشت و بربریت هرگز نه در قرآن و نه در جای دیگری علت های اساسی موجودیت چنین گناہانی که سبب می شود مرتکب آن چنین مجازات شود مطرح نساخته است، و طرح ساختار چنین جامعه ای اصلاً مطرح نبوده است، فقط مجازات و باز هم مجازات.

درین نوشته مختصراً در باره سنگسار اسلامی که راویان عجمی ما آن را عطوفت خداونی و مهربانی اسلامی دانسته مکث کوتاهی می نمائیم، یعنی سنگسار یک موجود به نام زن از روی محبت و دلسوزی اسلام به زن، خانواده و جامعه است؟؟؟؟

کنون ده ها آیت قرآن را در مورد پا مال نمودن حق زن، زن را ملکیت مرد شمردن، زن را ابزار و وسیله رفع ضرورت های مرد مخصوصاً مسایل جنسی و... همه را نادیده گرفته چند سطری از راویان شیخک های عربی را خوانده و می بینیم از نظر ایشان این اسلام عزیز چه نوع نظری در مورد کرامت انسانی زن دارد، لطفاً توجه فرمائید راویان اسلامی ما در نوشته ای زیر عنوان (آیا حکم سنگسار غیر انسانی است؟) بحث جالبی را طرح داشته اند که بنده را متوجه نکاتی ساخت که قبلاً هم از طرف تعدادی از راویان اسلامی این بحث مطرح و نتایج مختلفی از آن گرفته شده بود.

تعدادی اصلاً منکر سنگسار بوده اند و دلیل شان هم این بوده که چون هیچ آیتی در قرآن نیامده که مستقیماً به سنگسار زن (زانی) حکم شده باشد فلذا سنگسار حکم اسلامی نیست و بعضی ها هم متکی به آیت قرآن... که چند یهودی نزد محمد آمدند و در باره زن زنا کرده هدایت خواستند و این آیت نازل شد که در تورات این حکم واضح است چرا آنها به آن عمل نمی کنند؟، به این آیت اتکاء نموده و سنگسار را حکم قرآنی می دانند، خلاصه این قرآن یک وسیله ای شده برای برآورده شدن مرام و خواست های همه کس و ناکس تا با برداشتی از آن مطابق میل و اجرای مقاصد شوم و منافع خویش مسلمان گفته الله اکبر گویان به پیش رفته و قربانیانی به جا گذارند.

اما در بحث این رویان جالبترین نکاتی که به نظر خورد همانا تأیید کردن حکم سنگسار (البته با شرایط) با شریعت اسلامی می باشد و به حق بودن حکم سنگسار در اسلام است.

استدلالی که ایشان دارند (چون ازین دلایل شان خیلی خوشم آمده) قسمتی از آن را مینویسم : ( **دین مقدس اسلام مدافع حقوق زن و مرد، انسان و حیوان... مدافع حقوق خانواده است، اسلام مدافع عفت و پاک دامنی است، اسلام مدافع انسانیت است، اگر اسلام برای زنی فرد دارای زن و خانواده مجازات سخت سنگسار را ارائه می کند نشانه بی رحمی اسلام نیست بلکه نشانه عمق توجه اسلام به حفظ کانون خانواده است و ...**).

در مورد این مسأله شان عرض می دارم که وقتی اسلام عزیز نکاح طفل دختر چهار ساله را با مردی که سنش معین و مشخص نیست، یعنی دارای هر سنی که باشد جایز می داند (فتوای پروفیسر عبدالستار سیرت سابق وزیر عدلیه ظاهر شاه فعلاً استاد اسلامی به استناد حدیثی از محمد و روایتی از امامان فقه) این دین که به گفته شما مدافع حقوق زن و مرد است آیا درین مورد حق زن را مراعات کرده است؟؟؟ اگر نکرده؟ و شما هم این نوع نکاح را غیر عادلانه می دانید؟ عکس العمل شما در همان موقع و یا فعلاً منحصراً یک مسلمان چیست؟؟؟ و به فرموده شما که اسلام مدافع حقوق خانواده می باشد؟ خانواده متشکله از چنین ازدواجهایی را چگونه ارزیابی نموده و چگونه حقی برای این خانواده قایل استید؟؟؟؟ و اسلام از این خانواده و حقوق آن چگونه دفاع می کند؟؟

حال فرض کنیم این طفل چهار ساله به عقد نکاح یک مرد چهل ساله در آمده زمانی که این طفلک بیست ساله می شود شوهرش پنجاه و شش ساله می باشد و مطابق احکام قرآن مرد قبل ازین طفلک سه زن دیگر را هم نکاح نموده است آیا از نگاه خواست ها و غریزه جنسی دخترک که فعلاً بیست ساله شده در مقابل پیر مرد چهار زنه !!! اسلام عزیز که مدافع حقوق زن و مرد (نظر به فرموده شما) است چه حکمی دارد؟؟؟؟ باید این دخترک بسوزد و بسازد؟؟ یا طلاق گرفته و برود با مرد دلخواهش ازدواج نماید؟؟

یک مرد چهار زن می گیرد ، تفاوت های سنی زیاد بین شوهر و زنان وجود دارد ، ازدواج های اجباری وجود دارد ، یک ملک ، یک خان ، یک پولدار ، یک زور مند ، یک وزیر ، یک جهادی، یک چپاولگر و یک ملا و یک مولوی دختر یک دهقان، یک غریب کار و مظلوم را به جبر و زور و یا پول به نکاح خود در می آورد و همین ملای کثیف و طفیلی هم نکاح او را می بندد، آیا این دختر نظر به حکم اسلام شما مجبور است به این ازدواج تن دهد؟ یا به کسی دیگری که هم سن و سالش است و شاید هم دوستش داشته باشد بخواهد ازدواج کند؟؟ اگر چنین کند باید مطابق قانون مقدس اسلام سنگسار شود؟؟؟ چون اسلام شما حافظ منافع خانواده است؟؟؟

شاید اسلام حافظ منافع زن و خانواده باشد اما به یقین کامل می توان گفت که حافظ حقوق زن اشراف، زور مندان و پولداران همچنان خانواده شان باشد نه حافظ شرف و عزت زن و خانواده مظلومان و ضعیفان؟ تاریخ کشور ما چنین چیزی را به یاد ندارد

فکر می کنم این اسلام است که زمینه (زنا) را برای خانواده ها فراهم می سازد ؟

یکی دیگر از بر جستگی های نوشته شان مساوی بودن حقوق زن و مرد در اسلام است که ایشان تشریح داده اند آنهم در مورد شهادت دادن که چنین می فرمایند ( چهار مرد عادل و یا سه مرد و دو زن عادل و یا دو مرد و چهار زن عادل) یعنی شهادت دو زن مساوی است با شهادت یک مرد؟؟؟ این هم شد حقوق مساوی !!؟؟ نمی دانم حقوق مساوی از نظر شما چیست؟؟

ترحم در اسلام : یک مرد چهار موجود به نام زن را در یک خانه محبوس و نوبت همخوابی برای شان معین ساختن ، از تحصیل محروم، حق انتخاب، حق لباس پوشیدن، حق جای رفتن ، خلاصه محروم ساختن از هر نوع حق انسانی و

بشری !! این ترحم اسلام است ، بلی ؟؟

اعتراض زن در مقابل چنین اعمالی که نظر به تسلط فرهنگ زن ستیزانه و مرد سالاری قبیله ئی کمتر اتفاق می افتد اگر صورت پذیرد منجر به خشونت شوهر و صدمه جسمی به زن منجر می شود و زن باید بسوزد و بسازد و یا هم باید خودش را به دریا اندازد، یا حلق آویز کند و یا هم به نوع خود کشی ؟؟؟ ترحم اسلامی همین است ؟؟

دختری را به اجبار مطابق عنعنه قبیله ئی به مرد پیر و پولدار دادن و در صورت مخالفت دختر با این ازدواج و فراتر دختر با جوان دلخواهش که آرزو دارد با او ازدواج کرده و زندگی آینده اش را سر و سامان دهد ؟؟ در اسلام عزیز شما این عمل یک فحشاء است و باید سنگسار شود ؟ بلی ؟ آنها از روی ترحم الله و اسلام ؟؟

باید ملا ها و مولوی ها لباس سفید پوشیده چقری حفر کنند، زن را در آن چقری تا نیمه بدن دفن کنند بعد هم تعدادی از مردان وحشی و نیمه وحشی (الله اکبر) گویان با سنگ آنقدر بر سر و روی آن مظلوم بزنند تا خون آلود شده و جان بدهد و خدائی که تشنه خون بشر است و بنده های سگ صفتش تسکین یافته و از کشتن یک موجود به نام زن افتخار کنند، چون عادلانه و از روی ترحم با سنگ موجود لطیف و عاجزی را کشته اند کاری که هیچ حیوانی نمی کند و هر جانوری ازین عمل شرم دارد

اکنون که یک زن بخواهد به میل خود شوهر انتخاب و از دواج نماید مطابق شریعت اسلامی از روی ترحم و مهربانی سنگسار می شود آیا: آن حوریان بهشتی خیالی هم که با صد و یا هم هزاران مرد می خوابند و بعد هر خوابیدن فوراً با کره هم می شوند شامل این حکم الهی هستند یا آنها مستثنی می باشند ؟؟؟؟